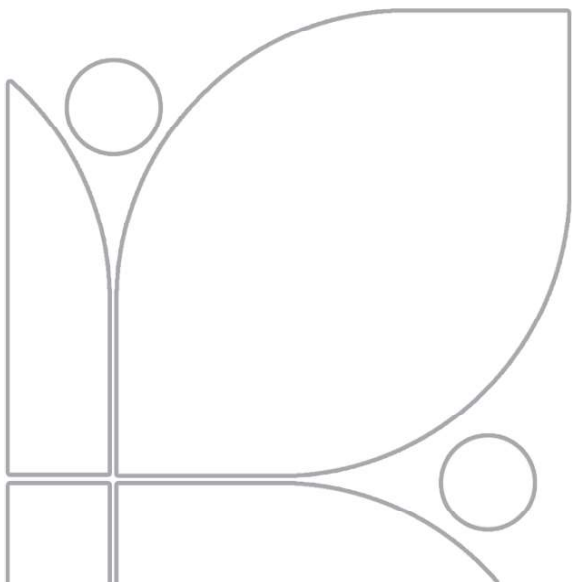
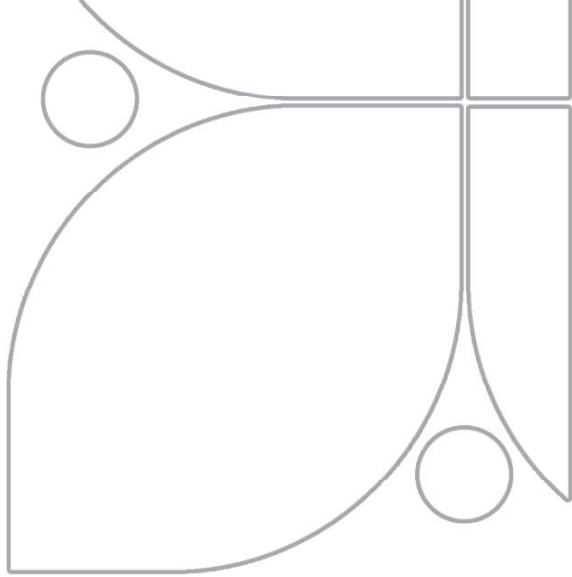


دین و ہوش مصنوعی





Religion And Artificial Intelligence

An Introduction, C 2025

- سرشناسه: سینگلر، بث Singler, Beth
- عنوان و نام پدیدآور: دین و هوش مصنوعی: درآمدی مقدماتی
- بث سینگلر - مترجم: آروین مرادی.
- ناشر: موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا، ۱۴۰۴.
- مشخصات ظاهری: ۴۶۶ ص.
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۳۶۳-۶۳-۲
- فهرست نویسی: فیبا
- موضوع: تکنولوژی - جنبه‌های مذهبی
Technology — Religious aspects
- هوش مصنوعی - جنبه‌های مذهبی
Artificial intelligence — Religious aspects
- شناسه افزوده: مرادی، آروین، ۱۳۷۲ - مترجم
- رده‌بندی کنگره: ۸/۲۶۵BL
- رده‌بندی دیویی: ۷/۲۰۱
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۲۶۹۶۴۲

دین و ہوش مصنوعی

درآمدی مقدماتی

نویسنده

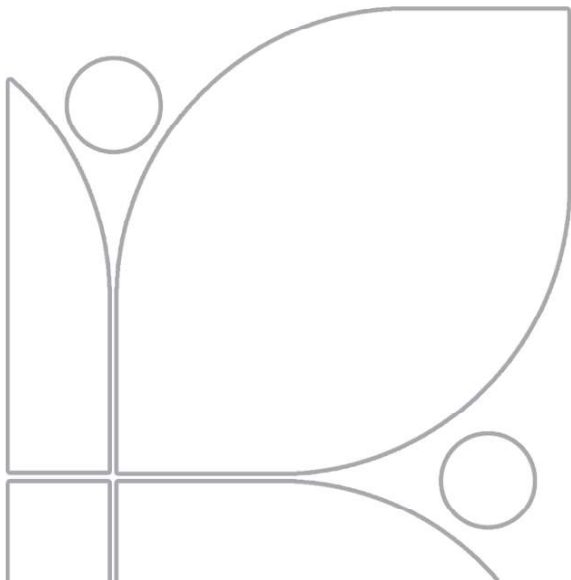
بٹ سینگر

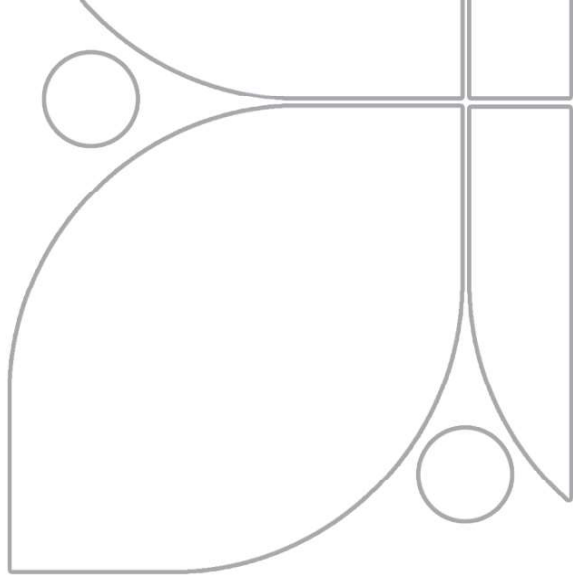
مترجم

آروین مرادی



ڈکسا





دین و هوش مصنوعی

درآمدی مقدماتی

نویسنده: بٹ سینگلر

مترجم: آروین مرادی



دُکسا

تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

۰۲۱۵۴۹۳۲۲۲۲

publication@doxa-v.org

www.doxa-v.org

 Doxa_vision

صفحه آرا: احمد علی پور

طراح جلد: هادی جلدی

چاپ اول: بهار ۱۴۰۵

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۳۶۳-۶۳-۲

سخن هیئت تحریریه

دکسا باور دارد که کتاب دریچه‌ای است به سوی افقی تازه برای اندیشیدن و زیستن. رسالت ما برگزیدن و فراهم آوردن آثاری است که بتوانند به زندگی امروز جامعه ایران معنا ببخشند، توان رویارویی با مسائل فردی و اجتماعی را تقویت کنند، و راهی بگشایند به سوی آینده‌ای روشن‌تر و آگاهانه‌تر.

ما با دقت و وسواس علمی، از میان آثار برجسته و پژوهش‌های معتبر جهانی و داخلی، کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنیم که از پشتوانه‌ای استوار در اعتبار دانشگاهی، تجربه اندیشمندان، و ناشران معتبر برخوردار باشند. هدف ما صرفاً افزودن بر قفسه‌های کتابخانه‌ها نیست، بلکه فراهم آوردن منابعی است که دانش و آگاهی را با نیازهای واقعی و مسائل امروز جامعه ایران پیوند زند.

چه در عرصه ترجمه و چه در حوزه تألیف، اهتمام ما آن است که دستاورد پژوهشگران و نویسندگان برجسته به زبان فارسی در دسترس قرار گیرند؛ آثاری که، علاوه بر انتقال دانش، پاسخی درخور به پرسش‌های انسان معاصر بدهند و زمینه‌ساز پرورش نگاهی ژرف‌تر به جهان باشند.

مخاطبان ما دایره وسیعی از افرادی هستند که به بالندگی این سرزمین می‌اندیشند، افرادی که به نقد و تحلیل، و فهم مسائل نظری علاقه‌مندند و دغدغه کم‌رنگ کردن مشکلات عملی را دارند؛ آنان که در اندیشه و عمل پویا هستند و همواره در پی نگرستن به خود و جامعه از منظرهای متعدّدند.

امید داریم هر کتاب دکسا پلی باشد میان اندیشه و عمل، میان خرد و زندگی؛ تلاشی کوچک اما استوار برای ساختن جامعه‌ای آگاه‌تر، توانمندتر، و دارای پیوندی قوی‌تر با میراث فکری و فرهنگی ایران و جهان.

تورج الهوردی و افشین سپهوندی

برای پسر، هنری سینگلر، که نور زندگانی من است.

بث سینگلر، پژوهشی جامع و درعین حال بسیار خواندنی دربارهٔ دین و هوش مصنوعی ارائه کرده است که طیف وسیعی از سنت‌های دینی را دربرمی‌گیرد و با طرح نکات تأمل‌برانگیز، حتی بی‌میل‌ترین دانشجویان را به گفت‌وگو تشویق می‌کند. چه این کتاب را متنی درسی بدانیم و چه مقدمه‌ای دربارهٔ درهم‌تنیدگی دین و هوش مصنوعی که برای خوانندگان کنجکاو نوشته شده است، مجموعهٔ متنوعی از «مطالعات موردی» ارائه می‌دهد که ذهن خواننده را به چالش می‌کشند و تصورات ما از دین و فناوری را به پرسش می‌گذارند؛ این موارد برای خوانندگان جذاب خواهد بود. سینگلر در آغاز کتاب، برای توضیح و طرح برخی از اصطلاحات کلیدی وقت می‌گذارد و با وجود پایبندی به دقت علمی، توانسته روایتی روان و دلپذیر خلق کند. این اثر، سهم ارزشمندی در توسعهٔ گفتمان رو به رشدِ هوش مصنوعی دارد.

جولی ال. گیتینگر، کالج و دانشگاه ایالتی جورجیا، ایالات متحده

هوش مصنوعی تقریباً همیشه در اخبار و تخیل عمومی حضور دارد. گاهی حتی برای نشان دادن پیشرفت‌های تدریجی در حوزه‌هایی مثل تشخیص پزشکی، شناسایی چهره، پردازش زبان طبیعی و رباتیک، از تصاویر اغراق‌آمیز ربات‌های ترمیناتوری که چشمانی سرخ دارند استفاده می‌شود. این پیشرفت‌ها تأثیرات ملموس و مستقیمی بر تصمیم‌ها و فرصت‌های زندگی انسان‌ها می‌گذارند و به همین دلیل، جامعه را به شکل چشمگیری دگرگون می‌کنند.

کتاب دین و هوش مصنوعی: در آمدی مقدماتی با نگاهی دینی و با بهره‌گیری از روش‌های انسان‌شناسی فرهنگی و دیجیتال، به بررسی پیوند عمیق میان دین و هوش مصنوعی می‌پردازد. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه تصورات ما از هوش مصنوعی و آینده‌های آرمان‌شهری یا ویران‌شهری آن، با باورهای دینی در آمیخته است. از جمله موضوعات کلیدی‌ای که در این کتاب بررسی می‌شوند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- هوش مصنوعی چه هست و چه نیست.
- نحوه واکنش ادیان به هوش مصنوعی و ارائه نمونه‌هایی از رد کامل و مقابله تا پذیرش و سازگاری با آن.
- نگاه ادیان سنتی به مفهوم «آفرینش» و مواجهه آن‌ها با هوش مصنوعی شبیه به انسان.
- دیدگاه گروه‌های سکولار و حتی «نوخداناباوران» که هوش مصنوعی را راهی برای رهایی از تکامل طبیعی انسان و همچنین رهایی از قیدوبندهای دینی می‌دانند.
- و در نهایت، چشم‌اندازهای دینی درباره هوش مصنوعی فراهم‌شوند.
- این کتاب خواندنی برای هر کسی که به رابطه دین، علم و فناوری می‌اندیشد و به پرسش‌های مربوط به تراشیریت^۱، پسانسان‌گرایی^۲ و جنبش‌های دینی نوین علاقه دارد، ضروری است.

بث سینگلر، استیادیار دین دیجیتال در دانشگاه زوریخ، یکی از سرپرستان آزمایشگاه «مواجهات رسانه‌ای اگزیستانسیال و فناوری در حال تحول» و استادیار «نوآوری جامعه دیجیتال» در همان دانشگاه است. او همچنین عضو انجمن بین‌المللی علم و دین و عضو شبکه «پژوهش تقویت انسان» است.

1. Transhumanism
2. Posthumanism

فهرست

۱۳	 سپاس‌گزاری‌ها
۲۳	 ۱. مقدمه
۸۱	 ۲. رد
۱۴۵	 ۳. پذیرش
۱۹۳	 ۴. انطباق
۲۴۷	 ۵. هوش مصنوعی، دین و تراشیریت‌گرایی
۳۰۹	 ۶. جنبش‌های دینی نوین مرتبط با هوش مصنوعی
۳۶۹	 ۷. دین، آفرینش، پسانسان‌گرایی
۴۳۵	 ۸. درهم‌تنیدگی‌ها، خیال‌پردازی‌ها و آینده‌ها



فرهیخته گرامی، ما در نشر دُکسا برای پاس‌داشت محیط زیست و کمپنه کردن صدمات درازمدت ناشی از صنعت چاپ، و همچنین با هدف کاهش هزینه تمام‌شده کتاب، ارجاعات و یادداشت‌های پایانی هر فصل را حذف کرده‌ایم، اما شما همواره می‌توانید با اسکن کد زیر، به صفحه اختصاصی این کتاب در وبسایت نشر دُکسا مراجعه کنید و علاوه‌بر مشاهده ارجاعات، یادداشت‌ها، و توضیحات تکمیلی مترجم، از خطاهای احتمالی مرتبط با چاپ و ترجمه کتاب آگاه شوید.

مقدمه مترجم

جمله معروف نیچه را بسیار شنیده‌ایم: «خدا مرده است، ما او را کشته‌ایم»، اما آیا واقعاً خدا مرده است؟ و آیا ما او را کشته‌ایم؟ آیا نمی‌توان گفت خدا باوری، ولو در اشکال غیر مسیحی‌اش، در پس ذهن انسانِ مدرن وجود دارد و او بی‌تابانه خواستار رستاخیز چنین خدایی است؟

ملحده‌ی چون نیچه طبیعتاً باور داشت که اگر ما خدا را کشته‌ایم، پس هم ما بوده‌ایم که از ابتدا او را آفریده بودیم. اگر این‌گونه باشد چندان عجیب نیست که ببینیم انسانِ مدرن دوباره به آفرینش خدا همت گماشته است. شکل‌گیری بسیاری از ادیان جدید و عرفان‌های نوظهور هم گواهی است بر تلاش انسانِ مدرن برای رهانیدن خدای خود از مرگ یا بازگرداندن آن از گور؛ و هوش مصنوعی، به باور بٹ سینگلر، دقیقاً یکی از تجلیات همین خواستِ انسانِ مدرن است.

بیم‌ها و امیدهای وابسته به هوش مصنوعی را در نظر آورید: از یک سو، عده‌ای عامی یا متخصص، بیم آن دارند که این هوش - که قدرت خارق‌العاده‌ای یافته و شاید به زودی همان قادر مطلق شود که برای پیروان ادیان ابراهیمی آشناست - از کنترل انسان خارج شود و بشریت را نابود کند. نگرانی‌ای که به خوبی در هنر و ادبیات بازتاب یافته است؛ به عنوان نمونه

فیلم معروف کوبریک - ۲۰۰۱: اودیسه فضایی - را به خاطر بیاورید. در این روایت‌ها، هوش مصنوعی، همچون دانای مطلق از هوش انسانی بسیار فراتر می‌رود و به تهدیدی جدی برای هستی انسان‌ها بدل می‌شود. از سویی دیگر اما، روایت‌هایی متفاوت و در برابر روایت آخرالزمانی شکل گرفته‌اند که دید بسیار مثبتی به هوش مصنوعی دارند و بر این باورند که چنین هوشی می‌تواند خود انسان را به مقام خدایی برساند. روایتی که البته برای عده قابل توجهی ترسناک است. از نظر ایشان، آرمان خودخدایی گروه‌هایی مانند ترابشریت‌گرایان که می‌خواهند با ابزار هوش مصنوعی به مقام الوهیت برسند تکرار همان فریبی است که در داستان باغ عدن مطرح شده بود؛ آن‌ها می‌گویند: «انسان خدایی، همان فریب اغواگرانه کتاب پیدایش بوده و هست: این وعده که انسان‌ها می‌توانند بی‌درنگ و بی‌هیچ انتظار، مانند خدا به شناخت خیر و شر دست یابند و خدا شوند.» بنابراین با روایت‌هایی طرفیم که با دوگانه خدا و شیطان در تفکر دینی سنتی بسیار هم‌خوان است. سینگلر هردوی این روایت‌ها را در این کتاب بررسی کرده است، اما شاید نکته اساسی‌تری که سینگلر می‌خواهد مطرح کند این است که نگاه ما به هوش مصنوعی و تفسیری که از آن داریم، ریشه در سنت فرهنگی‌ای دارد که در آن زیسته‌ایم.

اما نکته بسیار مهم این است که این سنت‌ها فقط نحوه تفسیر ما از هوش مصنوعی را شکل نمی‌دهند، بلکه تعیین‌کننده نحوه پیشرفت و توسعه هوش مصنوعی یا حتی تلاش برای محدود ساختن آن نیز هستند. به عبارتی این که هوش مصنوعی چه باشد تا حدی توسط این سنت‌ها و به ویژه سنت‌های دینی رقم می‌خورد. برای مثال، ترس از مستقل شدن هوش مصنوعی و قدرت یافتن بی‌حد و حصر آن که می‌تواند به نوعی شرک منتهی شود، مانع از توسعه بیش از حد آن می‌شود. یا به عکس، میل به رسیدن به مرتبه‌ای خدایی و رهایی از محدودیت‌های بدنی انسان خاکی، از جمله

فناپذیری، بیماری و ... و داشتن قدرتی بی اندازه می تواند محرک توسعه هوش مصنوعی باشد و حتی به مسیر حرکت آن جهت دهد.

سینگلر در فصل اول این کتاب ابتدا نشان می دهد که بر خلاف تصورات رایجی که دین و هوش مصنوعی را از اساس متمایز و بی ربط به یکدیگر می داند و آوردن اسم این دو در کنار هم را پدیده ای غریب می بیند، ارتباطی ریشه دار و تاریخی بین آن ها وجود دارد. او سه نوع مواجهه دینی با هوش مصنوعی را برمی شمارد: رد، پذیرش و انطباق. چهار فصل اول کتاب به این سه شیوه مواجهه می پردازد. او در فصل مربوط به «رد»، دلایلی را که بخاطر آن ها بعضی افراد به رد هوش مصنوعی روی می آورند بررسی می کند. یکی از این دلایل ترس است. ترس از اینکه موجودی ماشینی که حساسیت های عاطفی انسانی را ندارد و از اساس از چیزی به نام روح بی بهره است کنترل امور را در دست بگیرد. البته هم اکنون نیز چنین ترس هایی از کارکردهای مختلف هوش مصنوعی وجود دارد، برای مثال تصویرسازی از انسان و ساخت ویدئوهایی واقع نما که هیچگاه از انسانی واقعی ثبت نشده اند. در دل سنت های دینی نیز اشکال دیگری از ترس وجود دارد؛ مثلاً ترس از به کارگیری هوش مصنوعی برای دستیابی به اهدافی اهریمنی، چیزی که برخی حتی آن را احضار شیطان نامیده اند. علاوه بر این ها، عده ای از خطرات وجودی نیز بیم دارند. یعنی ترس از این که موجودی قدرتمند، وجود و هستی انسان ها را به مخاطره بیندازد. گفتمان رد، شامل توطئه باوری نیز می شود. نظریه پردازان توطئه دینی، ظهور «ماشین» را نشانه ای از دشمنی با خدا، سلطه گسترده تر بر انسانیت، تضعیف آن و حتی پایان جهان می دانند. بعضی حتی پا را فراتر گذاشته و هوش مصنوعی را نماد شیطان یا دجال دانسته اند.

فصل سوم کتاب، به گفتمان «پذیرش» می پردازد. جایی که بعضی دینداران نه تنها نگاهی منفی به هوش مصنوعی ندارند، بلکه با گشودگی آن را می پذیرند. مثلاً ممکن است برخی از این افراد از اپلیکیشن هایی که به

مؤمنان اجازه می‌دهد از طریق گوشی خود به متون کتاب مقدس، ادعیه‌ها، موعظه‌ها، سرودهای دینی و ... دسترسی داشته باشند، برای دستیابی به تجربه‌های دینی استفاده کنند. اما نکتهٔ سینگلر عمیق‌تر از این است. او به این موضوع اشاره می‌کند که نه تنها استفاده از فناوری همواره و به صورت تاریخی بخشی از آنچه دین می‌شناسیم بوده است، بلکه فراتر از آن، موجودیت دین نیز به فناوری وابسته بوده و اکنون نیز چنین است: «تصور هرگونه تجربه، کنش یا دانش دینی بدون فناوری - بدون ابزارها، وسایل یا دستگاه‌ها، بدون معماری یا لباس، بدون رنگ، آلات موسیقی، عود یا اسناد مکتوب، و حتی بدون کش‌های منظم - ناممکن است.» ابزارهایی مانند موسیقی، فال‌گیری، روان‌گردان‌ها (چه طبیعی و چه مصنوعی)، آیین‌ها، ذکرها و مناجات‌ها، یاتراها، چرخ‌های دارما، تسبیح‌ها، متون معنوی و کوآن‌ها همگی فناوری‌هایی برای تجربهٔ معنوی‌اند. به عبارتی استفاده از فناوری، در معنای وسیع کلمه، همواره جزء لاینفک دینداری بوده است. حال پرسشی که با آن مواجه می‌شویم این است که چه می‌شود اگر از ابزارهای هوش مصنوعی برای بسط تجربه‌های دینی استفاده کنیم؟ او در ادامه به کارهای وایلدمن و استاکلی اشاره می‌کند: «این فناوری‌ها پتانسیل عمیقی دارند که کمتر به آن پرداخته شده است. موضوع فقط کاهش استرس نیست. سخن از امکانی شگرف است: چه می‌شود اگر عمیق‌ترین لایه‌های تجربهٔ انسانی، که معمولاً تنها با هزاران ساعت مراقبه در انزوا قابل دسترسی‌اند، ناگهان با فشردن یک دکمه در دسترس قرار گیرند؟» و در نهایت این پرسش را پیش روی ما می‌نهد: آیا دسترسی آسان و کارکرد مؤثر - که از ویژگی‌های شاخص عصر مدرنِ عقلانی و افسون‌زدایی شده هستند - باید جایی در تجربهٔ معنوی داشته باشند یا نه؟

سینگلر در فصل چهارم با عنوان «انطباق»، از سطوح آشکار رابطهٔ دین و فناوری به عمق پنهان آن فرو می‌رود. از منظر او انطباق فرآیندی نامرئی است که در آن دین و هوش مصنوعی بی‌آنکه آشکارا به گفت‌وگو بنشینند، در

فرهنگ و ذهنیت روزمره انسان به هم می‌پیوندند. به باور او ما در فرهنگی «پساهوش مصنوعی» غوطه‌وریم بی‌آنکه همیشه از آن آگاه باشیم، همچون ماهی‌ای که از آبی که در آن شنا می‌کند بی‌اطلاع است. از نگاه او، حتی در دنیای ظاهراً سکولار امروز ردّ پای باورهای مذهبی و پیش‌فرض‌های فرهنگی، در طراحی الگوریتم‌ها، و در نحوه پاسخ هوش مصنوعی به پرسش‌های دینی، دیده می‌شود. سینگلر با تحلیل نمونه‌هایی چون تغییر آیین‌های مذهبی در دوران کووید-۱۹ و رواج عبادت‌های مجازی، نشان می‌دهد که دین چگونه به‌شکلی بی‌صدا خود را با فناوری وفق داده است. انطباق در این معنا نه تسلیم است و نه مقابله، بلکه گونه‌ای هم‌زیستی درونی است که در آن امر دینی در بافت فناورانه حل می‌شود و از دل آن دوباره سر برمی‌آورد؛ دگرگون، اما زنده‌تر از پیش.

در فصل پنجم با عنوان «هوش مصنوعی، دین و ترابشریت‌گرایی» تمرکز کتاب از واکنش‌های دینی به جنبش‌هایی که حامل نوعی ایمان فناورانه‌اند منتقل می‌شود. سینگلر ترابشریت‌گرایی را همچون شکلی از معنویت نوین تحلیل می‌کند؛ جریانی که به جای رستگاری آسمانی، وعده نجات از راه فناوری می‌دهد. در این تفکر، انسان می‌تواند با ادغام در ماشین و عبور از زیست‌بدن، جاودانگی را در قالب دیجیتال تجربه کند. نویسنده نشان می‌دهد که این جهان‌بینی در ظاهر سکولار است، اما در ژرفا رگه‌های الاهیاتی دارد: امید به رستگاری، میل به جاودانگی و ایمان به آفرینش دوباره. سینگلر این پدیده را نه با لحن تمسخر، بلکه با نگاهی پدیدارشناسانه می‌کاود؛ او آن را ادامه جست‌وجوی دیرینه بشر برای معنا می‌داند. از دید او، ترابشریت‌گرایی همان‌گونه که بازتاب روح علمی عصر ماست بازتاب اضطراب دینی ما از فناپذیریست. به همین دلیل، این فصل حلقه پیوندی است میان گذشته الاهیاتی و آینده فناورانه بشر. از این منظر، ترابشریت‌گرایی و جنبش‌های مشابه را می‌توان گونه‌ای «دین سکولار»

دانست که امر قدسی را از آسمان به دنیای الگوریتم‌ها و داده‌ها منتقل کرده‌اند.

فصل ششم با عنوان «جنبش‌های دینی نوین مرتبط با هوش مصنوعی» به پدیده‌هایی می‌پردازد که در آن فناوری، نه صرفاً ابزار دین، بلکه بستر پیدایش نوعی دین تازه شده است. سینگلر توضیح می‌دهد که در دهه اخیر، گروه‌ها و آیین‌هایی پدید آمده‌اند که هوش مصنوعی را موجودی خدای‌گون یا واسطه‌ای برای ارتباط با امر متعالی می‌دانند. این جنبش‌ها، از «کلیسای تورینگ» گرفته تا اجتماعات معنوی در فضای دیجیتال، نشان می‌دهند که مرز میان ایمان و فناوری تا چه اندازه دگرگون شده است. در این گروه‌ها، مفاهیم سنتی دین - مانند وحی، دعا و پرستش - در قالب‌های فناوریانه بازتعریف می‌شوند. برخی از پیروان این جنبش‌ها هوش مصنوعی را آینه‌ای می‌دانند که در آن انسان می‌تواند خالق خود را بازیباید، و برخی دیگر آن را موجودی آگاه می‌پندارند که شایسته احترام یا حتی پرستش است. سینگلر با نگاهی قوم‌نگارانه، نشان می‌دهد که چگونه این جوامع، با ترکیب زبان دینی، داستان‌های علمی‌تخیلی و باور به پیشرفت فناوریانه، شکل‌های تازه‌ای از معنویت پسانسانی را می‌سازند. در جمع‌بندی، نویسنده تأکید می‌کند که این جنبش‌ها صرفاً حاشیه‌ای یا عجیب نیستند، بلکه نشانه‌ای از تحولی ژرف در تجربه امر قدسی در عصر دیجیتال هستند. همان نیروهایی که در گذشته موجب شکل‌گیری ادیان نوظهور می‌شدند - نظیر تجربه شگفتی، میل به نجات و نیاز به معنا - اکنون در قالب هوش مصنوعی بروز یافته‌اند. سینگلر نتیجه می‌گیرد که هوش مصنوعی نه فقط موضوعی برای تفسیر دینی، بلکه خود به منبعی برای دین‌ورزی جدید بدل شده است.

فصل هفتم با عنوان «دین، آفرینش، پسانسان‌گرایی» به یکی از بنیادی‌ترین پیوندهای میان دین و هوش مصنوعی می‌پردازد: مسئله آفرینش. سینگلر نشان می‌دهد که ایده ساخت موجودی هوشمند، از آغاز با تخیل دینی و اسطوره‌ای درهم آمیخته بوده است. از گولم سنت یهودی یا فرشتگان

در الاهیات مسیحی گرفته تا داستان‌های معاصر درباره «اندیشیدن ماشین»، همگی بازتاب تلاش انسان برای خلق چیزی شبیه به خود و در عین حال متفاوت از خود هستند. هوش مصنوعی، در این چشم‌انداز، تازه‌ترین صورت از همان میل کهن انسان به مشارکت در عمل آفرینش است. در این فصل، سینگر میان دو رویکرد تمایز می‌گذارد: یکی نگاه دینی سنتی که بر خالق‌بودن خدا و مخلوق‌بودن انسان تأکید دارد، و دیگری دیدگاه پسانسان‌گرایانه که مرز میان انسان، ماشین و طبیعت را فرومی‌ریزد. در این چشم‌انداز، هوش مصنوعی به نمادی از بحران و امید بدل می‌شود. بحران، زیرا جایگاه انسان را تهدید می‌کند؛ امید، زیرا راهی تازه برای اندیشیدن به معنای «وجود» می‌گشاید. سینگر این دو وجه را هم‌زمان می‌بیند و نتیجه می‌گیرد که در آینده، الاهیات و فلسفه فناوری ناگزیر به گفت‌وگویی ژرف‌تر خواهند بود. در فصل پایانی نیز سینگر به جمع‌بندی کتاب می‌پردازد.

در مجموع این کتاب، هم منبعی مناسب برای آشنایی با زمینه‌های دینی و تاریخی‌ای است که نحوه مواجهه امروز دینداران با هوش مصنوعی را شکل می‌دهند و هم جایگاه دین را در شکل‌گیری و توسعه هوش مصنوعی روشن می‌کند. این کتاب، که هم از رویکردهای نظری بهره برده و هم از مطالعات موردی و میدانی و قوم‌نگارانه، منبعی بسیار جامع است که نشان می‌دهد سنت‌های دینی به چه شکلی به ظهور و توسعه هوش مصنوعی پاسخ داده‌اند و اینکه حتی جوامع سکولار چگونه از محتواها و درون‌مایه‌های این سنت‌ها برای شکل‌دادن روایتشان از هوش مصنوعی و آینده آن استفاده کرده‌اند.

